«وجه الله» ؛ راز بندگی

در آموزه‌های قرآنی رابطه و نسبت انسان و خدا، در قالب عبد و معبود تعریف شده است. این کامل‌ترین و آرمانی‌ترین قالب ارتباطی میان انسان و خدا است.

البته از نظر قرآن این ارتباط به معنای تکوینی وجود دارد و انسان خواسته و ناخواسته و دانسته و نادانسته این گونه با خدا و آفریدگار و پروردگارش ارتباط دارد؛ اما آنچه مهم است ارتباط به معنای تشریعی و اختیاری است؛ زیرا ارتباط تکوینی غیراختیاری و اجباری است.

همچنین از نظر قرآن، نسبت‌ها و ارتباط‌های دیگری میان انسان و خدا است، ولی چنان‌که گفته شد بهترین و کامل‌ترین و برترین ارتباط و نسبت همان رابطه عبد و معبود است که خداوند در آیه ۵۶ سوره ذاریات به آن اشاره کرده است. از نظر قرآن، این رابطه تنها میان انسان و خدا باید باشد و ایجاد چنین رابطه‌ای با دیگران از انسان و جن و فرشته و مانند آن نادرست و ناروا است.

بر اساس بندگی اختیاری و تشریعی، انسان باید هر کاری را که انجام می‌دهد تنها برای خدا انجام دهد که در آیه ۸ سوره انسان و آیات دیگر از آن به «وجه الله» تعبیر شده است. پس بندگی یعنی کار برای خدا. با چنین رابطه و نسبتی است که انسان به تقوا و ایمان (بقره، آیه ۲۱)، علم لدنی (بقره، آیه ۲۸۲)، قدرت تشخیص حق و باطل(انفال، آیه ۲۹) الهامات فجوری و تقوایی و فعل الخیرات و انجام کارهای خیر با اشارات غیبی الهی و امدادهای خداوندی می‌رسد و به مراتب سه گانه علم الیقین و عین الیقین و حق الیقین دست می‌یابد که خدایی و ربانی شده و در مقام خلافت الهی قرار می‌گیرد. (تکاثر، آیات ۵ و ۷؛ واقعه، آیه ۹۵؛ بقره، آیه ۱۳۸؛ آل عمران، آیه ۷۹؛ بقره، آیه ۳۰)

واقعیت کرامت انسان

خداوند در قرآن هر گاه یک یا چند نام خویش را مطرح می‌کند، در حقیقت تعلیل و تحلیل مفاد آن آیه و احکام و معارف آن به همان اسمای حسنای الهی ارتباط پیدا می‌کند. پس اگر در آیه اسمای حسنای غفور رحیم مطرح است؛ یعنی مفاد آن آیه به این دو اسم منوط است.

بر همین اساس، در تفسیر کرامت انسان باید به این نکته توجه یافت که چه اسمی را خداوند در آیه به کار برده است. خداوند در آغاز سوره علق می‌فرماید: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ؛ بخوان به نام پروردگارت که خلق کرد و انسان را از علق خلق کرد. سپس ادامه می‌دهد: اقْرَأْ وَرَبُّکَ الْأَکْرَمُ الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ؛ بخوان سوگند به پروردگارت که اکرم است و اوست که به سبب قلم تعلیم داد. تعلیم داد انسان را به چیزی که نمی‌دانست.

از آنجا که خداوند اکرم تعلیم می‌دهد، باید چیزی را که تعلیم می‌دهد کرامت باشد. پس آموزه‌های الهی کرامت است.

همین خداوند می‌فرماید: لَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ؛ تحقیقا ما بنی آدم را تکریم کردیم. (اسراء، آیه ۷۰) این تکریم با انتخاب آدم به عنوان خلیفه الله و جعل او در این مقام است: إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً؛ به راستی که ما در زمین خلیفه قرار دادیم.(بقره، آیه ۳۰)

پس اگر خداوند کریم، انسان را آفرید و به او تعلیم کرامت داد، سپس او را خلیفه خود قرار داد، باید این انسان به عنوان خلیفه کریم، کرامت ورزد و خلیفه کریم باشد؛ نه خلیفه هواهای نفسانی خود باشد و آن را معبود و اله خود قرار دهد(فرقان، آیه ۴۳؛ جاثیه، آیه ۲۳) و یا شیطان و جنیان و حتی فرشتگان یا بتان را خدایگان خویش سازد و براساس اومانیسم و خودمحوری به جای خدامحوری عمل کند. اگر انسان، خدایی شده است، باید کرامت ورزد و مانند یک خلیفه عمل کند نه آنکه مستخلف عنه را کنار بگذارد و خود خدا شود یا آنکه بر خلاف خواسته مستخلف عنه عمل کند و عصیان ورزد و گناه کند که در این صورت از کرامت ساقط می‌شود و در مقام: أُولَئِکَ کَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ؛ آنان همانند چارپایان بلکه گمراه‌تر و پست‌تر از آنها هستند (اعراف، آیه ۱۷۹)؛ در می‌آید؛ چرا که امانت‌دار نیست بلکه غاصب است و خلاف امانتداری عمل کرده و ظلم به خود و خدا نموده است.

رسیدگی شبانه شیخ عبدالکریم حائری به نیازمندان

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری مرجع تقلید و موسس حوزه علمیه قم خادمی داشت به نام شیخ علی که نقل می‌کند: شبی در ایام زمستان خوابیده بودم، صدای در خانه بلند شد، بلند شدم در را باز کردم دیدم زن فقیری است، اظهار کرد شوهرم مریض است، نه دوا و نه غذا دارم نه ذغال که اقلاً کرسی را گرم کنم، من جواب دادم خانم این موقع شب که کاری نمی‌شود کرد، آقا هم می‌دانم الان چیزی ندارد که کمک کند، زن ناامید برگشت، ولی دیدم آقا که حرف‌های ما را گوش می‌داده مرا صدا کرد و فرمود: شیخ علی اگر روز قیامت خداوند از من و از تو باز خواست کند که در این ساعت شب بنده من به در خانه شما آمد چرا او را ناامید کردید،ما چه جوابی داریم؟ عرض کردم آقا ما الان چه کاری می‌توانیم برای او انجام بدهیم؟ فرمود: تو منزل او را بلدی؟ عرض کردم: بلی می‌دانم ولی رفتن در میان آن کوچه‌ها با این گل و برف مشکل است، آقا فرمود: بلند شو برویم. وقتی که آمدیم، مریض را دیدیم و منزل را هم ملاحظه کردیم، صحت اظهارات آن خانم معلوم شد، آن وقت آقا به من فرمود: برو از قول من به صدر الحکماء بگو همین الان بیاید واین مریض را معاینه کند، من رفتم دکتر را آوردم،دکتر پس از معاینه نسخه ای نوشت و به من داد و رفت، آقا به من فرمود: برو به دواخانه بگو به حساب من دوای این نسخه را بدهند و من رفتم دوا را گرفته و آوردم، بعد فرمود برو به حساب من یک گونی ذغال بگیر، من رفتم ذغال را گرفته و با مقداری غذا آوردم، خلاصه آن شب آن خانواده فقیر از هر جهت راحت شدند، هم بیمار با خوردن دوا آرام شد و هم غذا خوردند و هم کرسیشان گرم شد، بعد فرمود روزی چقدر گوشت برای منزل ما می‌گیری عرض کردم هفت سیر، این بزرگوار فرمود نصف آن گوشت را هر روز به این خانه بده و آن نصف دیگر هم برای ما فعلا بس است آن وقت فرمود؛ حالا بلند شو برویم بخوابیم.

کسی نیک بیند به هردو سرای — که نیکی رساند به خلق خدای(سعدی)

از کتاب: مردان علم در دنیای عمل

رابطه ثروت و طغیانگری

در قرآن به رابطه‌ها و نسبت‌ها توجه خاصی شده است؛ زیرا این رویه به آدمی می‌آموزد که نوعی رابطه تاثیرگذار میان دو یا چند چیز وجود دارد، هر چند که این رابطه تاثیرگذار در حد و اندازه رابطه علیّ و معلولی نباشد اما به عنوان متغیر می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

از جمله این رابطه‌ها رابطه ثروت و طغیانگری است. قرآن در آیه ۲۷ سوره شوری می‌فرماید: اگر خداوند برای بندگانش رزق را بسط می‌داد و فراوان می‌کرد، قطعا بندگان در زمین بغی و طغیان می‌کردند؛ ولی خداوند روزی را به میزان آنچه خود می‌خواهد فرو می‌فرستد؛ زیرا خداوند به بندگانش آگاه و بینا است.

در این آیه به روشنی به رابطه دو متغیر ثروت و طغیان اشاره شده است. کسی که از رزق و روزی فراوان بهره‌مند شود، گرایش به طغیان‌گری می‌یابد و محدودیت‌ها و خطوط قرمز را کنار می‌زند و از جاده حق و عدالت بیرون می‌رود. خداوند به عنوان خالق، از رفتارها و صفات بندگانش آگاه است و به پیامدهای اعمال و رفتار آنان علم بصیرتی دارد و می‌داند که چگونه به تباهی می‌روند.

پس اینکه روزی به میزان مشخص از سوی خداوند داده می‌شود خود یک عنایت و رحمت به بندگان است؛ زیرا براساس این رابطه میان ثروت فراوان و طغیانگری، اگرانسان یک دفعه و به میزان زیاد از روزی و ثروت برخوردار شود طغیان کرده و در نهایت آخرت خویش را تباه می‌کند.

همچنین انسان باید اهل قناعت باشد و روزی هر روز را به درستی به کار گیرد و امیدش به روزی فردا باشد نه آن که اهل ذخیره باشد و بخل ورزد و خساست نماید. پس روزی، روزبه‌روز است و اگر این طور نبود انسان گرفتار طغیان و تباهی می‌شد. باید نسبت به این عنایت خداوند شکرگزار بود نه آنکه غرولند کرد و از کمی روزی نالید و کفران کرد.

ماه رمضان در بیانات و سبک زندگی امام خمینی (ره)

ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت الهی، بهار قرآن و ماه تزکیه روح و جان در راه است و به شرط توفیق و حیات و عافیت تا دو روز دیگر وارد این میهمانی عاشقانه می‌شویم. به همین مناسبت ره‌توشه‌هایی ناب از بیانات و سبک زندگی پیر جماران، امام خمینی(ره) در این ماه مبارک که در پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه انتشار یافته، تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

***

شهر امامان

اکنون در آستانه شهرالله و مقام ضیافت‌الله هستیم و من خود اقرار دارم که لایق این ضیافت نیستم. شهر شعبان‌المعظم که شهر امامان است در شرف گذشتن و ما خود را نتوانستیم مهیا کنیم برای شهرالله. دعاها را گاهی با لقلقه لسان خواندم و از آنها چیزی حاصل نشد در این آخر شهر عرض می‌کنم اَللّهُمَّ اِنْ لَمْ تَکُنْ غَفَرْتَ لَنا فِیما مَضی مِنْ شَعبانَ فَاغْفِرلَنا فِیما بَقِی مِنه از رحمت حق تعالی مایوس نیستم و مباش در دنیا [مباد] روزی که گناهان به آنجا رسد که از رحمت حق مایوس شویم.

صحیفه امام، ج ۲۰، ص۲۵۳، اردیبهشت ۶۶

اصلاح باطن و تهذیب نفس

این ماه مبارک با آن همه برکاتی که دارد، ما نمی‌توانیم از عهده

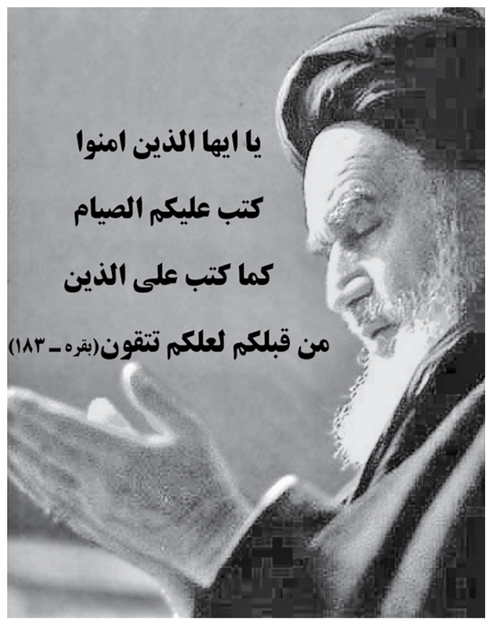

*** من خوف این را دارم که در این ماه مبارک رمضان که ماه تهذیب نفس است و همه را خدا به ضیافت خودش دعوت کرده است، ما با صاحبخانه کاری بکنیم که عنایتش از ما برگردد.**

شکر یکی‌اش برآییم ولی باید کوشش کنیم که در این ماه مبارک رمضان که بر ما گذشت، اگر حالی پیدا شد، این حال را تا ماه رمضان دیگر نگه داریم و اگر حالی پیدا نشد متأسف باشیم و کوشش کنیم که پیدا کنیم. این هیاهوها همه رفتنی است، تمام شدنی است، آنچه که هست آنی است که پیش خود ماست، آن باقی است و با ماست و ما باید کوشش کنیم که باطن خودمان را اصلاح کنیم.

صحیفه امام، ج ۲۰، ص۵۳، خرداد ماه ۶۵

و از همه بالاتر این است که انسان خودش را اصلاح کند در ماه رمضان، ما محتاج به اصلاح هستیم، محتاج به تهذیب نفس هستیم، تا آن دم آخر ما محتاجیم. پیغمبرها هم محتاجند. انبیای بزرگ هم محتاجند، منتها آنها احتیاج خودشان را فهمیده‌اند و دنبالش عمل کرده‌اند و ما از باب اینکه حجاب داریم نتوانستیم بفهمیم و به تکالیف خودمان عمل نکردیم. امیدوارم که ان‌شاءالله این ماه مبارک رمضان به همه شما مبارک باشد. و مبارک بودن به این است که بنابراین بگذارید که به تکالیف خدا عمل کنید.

صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۸۰، خرداد۶۳

مائده های آسمانی

در این ماه فرق داشته باشیم با سایر ماه‌ها و دنبال این باشیم که ان‌شاءالله «لیلةالقدر» را دریابیم، برکات «لیلةالقدر» را که قرآن در آن نازل شده است، همه سعادت عالم در آن شب نازل شده است و از این جهت، از همه شب‌های عالم بالاتر است، این را بتوانیم ادراک بکنیم، درک بکنیم، خداوند ان‌شاءالله، شماها را توفیق بدهد که با سلامت و سعادت وارد در «ضیافت‌الله» بشوید و از آن مائده‌های آسمانی که قرآن و ادعیه است ان‌شاءالله همه مان مستفیض بشویم و با یک روح سالمی وارد بشویم و «لیلةالقدر» [را] هم دریابیم، سَلامٌ هِی حَتی مَطْلَعِ الفَجْرِ.

صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۶، تیر ۵۹

ارزش دعا

این دعاهایی که در ماه‌ها هست، در روزها هست، خصوصاً، در ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان، اینها انسان را همچو تقویت روحی می‌کند ـ اگر کسی اهلش باشد، ماها که نیستیم ـ همچو تقویت روحی می‌کند و همچو راه را برای انسان باز می‌کند و نورافکن است برای اینکه، این بشر را از این ظلمت‌ها بیرون بیاورد و وارد نور بکند که معجزه‌آساست. به این دعاها عنایت بکنید.

صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱، تیر ماه ۵۹

دعوت به مهمانی خدا

در این ماه مبارک خودتان را تعریف کنید به قوت‌های روحانی. در یک حدیثی است که پیغمبر اکرم فرمودند که ماه رمضان آمد، اقبال کرد، آمد.

در ضمنش می‌فرمایند که دُعیتُم اِلی ضیافَتِ‌الله. ضیافت‌های خدا با ضیافت‌های مردم این است فرقش که وقتی شما را یک اشخاصی دعوت بکنند به یک مهمانی، وقتی بروید در آن مهمانی به حسب فراخور حال، یک چیزهایی برای خوردنی و یک چیزهایی برای تفریح و این چیزهاست.

ضیافت خدا در ماه رمضان یک شعبه‌اش روزه است، آن ضیافت خداست؛ یک شعبه‌اش روزه است و یک امر مهمش که مائده غیبی و آسمانی است قرآن است. شما دعوت شده‌اید به مهمانی خدا و شما در ماه رمضان مهمان خدا هستید. مهماندار شما، شما را وادار کرده است به اینکه روزه بگیرید. این راه‌هایی که به دنیا باز است و شهوات است، اینها را سدش کنید تا مهیا بشوید برای لیلةالقدر. ماه شعبان مقدمه است برای ماه مبارک رمضان که مردم مهیا بشوند برای ورود در ماه مبارک رمضان و در «ضیافت‌الله».

صحیفه امام، ج ۱۳ ص ۳۰، تیر ۵۹

ترک مشتهیات در ضیافت الهی

این ضیافت، همه‌اش ترک است؛ ترک شهوات از قبیل خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و جهات دیگری که شهوات انسان اقتضا می‌کند. خداوند دعوت کرده است ما را به اینکه شما باید وارد بشوید در این میهمانخانه و این ضیافت هم جز ترک، چیزی نیست؛ ترک هواها، ترک خودی‌ها، ترک منی‌ها، منیت‌ها. اینها همه در این میهمانخانه است و ما باید حساب کنیم ببینیم که آیا وارد شدیم در این میهمانخانه یا اصلاً وارد نشدیم، راهمان دادند به این ضیافتخانه یا نه، استفاده کردیم و از این ضیافت الهی یا نه.

البته حساب امثال من با کرام‌الکاتبین است.

اما من به شما آقایان و به هر کس که این کلمات می‌رسد و خصوصاً، طبقه جوان عرض می‌کنم که آیا در این مهمانخانه رفتید؟

*** این ماه مبارک با آن همه برکاتی که دارد، ما نمی‌توانیم از عهده شکر یکی‌اش برآییم ولی باید کوشش کنیم که در این ماه مبارک رمضان که بر ما گذشت، اگر حالی پیدا شد، این حال را تا ماه رمضان دیگر نگه داریم و اگر حالی پیدا نشد متأسف باشیم و کوشش کنیم که پیدا کنیم. این هیاهوها همه رفتنی است، تمام شدنی است، آنچه که هست آنی است که پیش خود ماست، آن باقی است و با ماست و ما باید کوشش کنیم که باطن خودمان را اصلاح کنیم.**

استفاده کردید؟ از شهوات خصوصاً شهوات معنوی چشم پوشیدید؟ یا اینکه مثل من هستید؟

صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۶، تیر ۵۹

تزکیه و ترک ظلم و انظلام

اگر همین ماه مبارک رمضان مسلمین خودشان را طور جمعی به ضیافت خدا وارد کرده بودند و تزکیه کرده بودند، تصفیه کرده بودند خودشان را، ممکن نبود زیر بار ظلم بروند. زیر بار ظلم رفتن مثل ـ ظلم ـ ظلم کردن، هر دواش از ناحیه عدم تزکیه است؛ قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَکّی، در نماز عید، این سوره را مستحب است بخوانند. امر به تزکیه و ذکر اسم الله و صلوة، اینها مراتبی است، اگر ما به این رسیده بودیم، نه حال انفعالی پیدا می‌کردیم برای پذیرش ظلم و نه ظالم بودیم. همه از این است که تزکیه نشدیم.

صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۴۹، تیر ۶۳

خوف از سلب عنایت خدا

من خوف این را دارم که در این ماه مبارک رمضان که ماه تهذیب نفس است و همه را خدا به ضیافت خودش دعوت کرده است، ما با صاحب خانه کاری بکنیم که عنایتش از ما برگردد.

صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۷۶، خرداد ۶۳

امیدواری به کسب توشه یکساله

ماه مبارک به منزله یک ساعتی است که کوکش بکنند و خودکار تا مدتی که این کوک است باشد. این ماه مبارک باید این جور باشد که مردم را تا ماه مبارک دیگر حفظ کند، بعد ماه مبارک دیگر بیاید از سر گرفته بشود و این برای این است که باید ما در این ضیافت وارد شده باشیم و من امیدوارم که وارد شده باشیم.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۷، اردیبهشت ۶۷

روزهای بلند را روزه بودند

امام چهارده سال نجف بودند. از تمام بچه‌ها دور بودند، هوای به آن گرمی نجف را تحمل می‌کردند و در آنجا روزهایی به آن بلندی را روزه می‌گرفتند. کارگر منزلشان صبح که می‌آمد گلایه می‌کرد و می‌گفت: «خانم، من سینی غذای آقا را که می‌برم، اصلاً وقتی برمی‌گردانم احساس نمی‌کنم از این سینی غذایی خورده شده است؛ شاید یک کمی مثلاً یک نصفه کتلت خورده‌اند.» آقا با این شرایط روز به آن بلندی نجف را روزه می‌گرفتند.

صدیقه مصطفوی، مجله سروش، شماره ۴۷۶

خواندن قرآن

در خود ماه رمضان امام مرتب قرآن می‌خواند حالا اکثر وقت‌ها مثلاً ما می‌رفتیم روزنامه ببریم برای ایشان می‌دیدیم امام نشسته‌اند روی آن نیمکت خودشان و آن شمد هم انداخته‌اند روی پایشان و چهار زانو نشسته‌اند و دارند قرآن می‌خوانند، از قول مرحوم حاج‌احمد آقا، امام بعضی روزها ۵ جزء یا ۴ جزء قرآن می‌خواند، نه یک جزء، ما می‌گوییم یک جزء بخوانیم، اما حاج احمد آقا می‌گفت امام روزی ۴ تا ۵ جزء قرآن می‌خواند، این قدر امام مقید بودند به قرآن خواندن یا مثلاً اعمال دیگر.

سید رحیم میریان

حضرت امام به نقل از نزدیکانشان برای ماه‌های ویژه‌ای چون ماه مبارک برنامه‌ای خاص داشتند. به طوری که در این ماه عزیز شعر نمی‌خواندند، نمی‌سرودند و به آن گوش هم نمی‌کردند. اساساً دگرگونی خاصی را متناسب با این ماه مبارک در زندگی خود ایجاد می‌کردند، به گونه‌ای که این ماه را سراسر به تلاوت قرآن مجید و انجام مستحبات مربوط به ماه مبارک رمضان سپری می‌کردند.

حجت‌الاسلام علی اکبر آشتیانی، پاسدار اسلام، شماره ۹۳

*** اگر همین ماه مبارک رمضان مسلمین خودشان را به طور جمعی به ضیافت خدا وارد کرده بودند و تزکیه کرده بودند، تصفیه کرده بودند خودشان را، ممکن نبود زیر بار ظلم بروند. زیر بار ظلم رفتن مثل ـ ظلم ـ ظلم کردن، هر دواش از ناحیه عدم تزکیه است؛ قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَکّی، در نماز عید، این سوره را مستحب است بخوانند. امر به تزکیه و ذکر الله، ذکر اسم الله: قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَکّی و ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّی. تزکیه، ذکر اسم الله و صلوة، اینها مراتبی است، اگر ما به این رسیده بودیم، نه حال انفعالی پیدا می‌کردیم برای پذیرش ظلم و نه ظالم بودیم. همه از این است که تزکیه نشدیم.**

جدیت در عبادات

وقتی حضرت امام در ماه مبارک رمضان در فصل گرمای نجف اشرف برای نماز جماعت ظهر و عصر با زبان روزه به مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی تشریف می‌آوردند، هر روز، اول هشت رکعت نوافل ظهر را می‌خواندند و بعد نماز ظهر را با اذان و اقامه نسبتاً طولانی می‌خواندند و بعد از تعقیبات نماز ظهر، هشت رکعت نوافل عصر را می‌خواندند و بعد نماز عصر را با اذان و اقامه، مانند نماز ظهر می‌خواندند و بعد از تعقیبات تشریف می‌بردند. این کار در آن سن و هوای گرم و آن حال روزه، کار آسانی نبود که حتی جوان‌ها موفق به آن بشوند، اما امام، با اقبال تمام اینگونه جدیت در عبادات داشتند.

آیت‌الله قدیری، جمهوری اسلامی، خرداد ۷۰

برنامه خاص

امام علاوه بر انجام تمام اعمال عبادی ماه رمضان یک برنامه خاص خودش را داشت، زمان بیشتری قرآن می‌خواندند. فکر می‌کنم حتی تا این اواخر ماهی سه قرآن را که حتماً ختم می‌کردند، فرمش هم به این شکل بود که سه نقطه سه تا قرآن داشتند، آن قسمتی که صبح برای کار می‌رفتند آن قسمتی که عصر بود و یا قسمت سرشب سه تا قرآن بود که از هر سه می‌خواندند هر جا بودند یک جزء قرآن می‌خواندند در نتیجه ماه رمضان که تمام می‌شد سه تا قرآن ختم کرده بودند، این اواخر حتی با این همه گرفتاری‌ها و مشاغلی که داشتند، تمام از کاری که در مفاتیح هست آنها را انجام می‌دادند. امام شبها دعای افتتاح می‌خواندند، دعای سحر را معمولاً می‌خواندند و خیلی هم توصیه می‌کردند و بیشتر ابوحمزه را هم می‌خواندند، گاهی وقت‌ها به ما می‌گفتند اگر ابوحمزه زیاد هست می‌توانید دو تا سه قسمت کنید و در دو یا سه شب تمام بشود. اگر یک شب نتوانستید تمام کنید عیبی ندارد ولی این دعا را بخوانید.

فاطمه طباطبایی

روزه‌های قضا شده

ایشان مقید بودند و حکم ایشان هم این بود که روزه‌های قضا شده حتماً باید تا ماه رمضان بعدی گرفته بشود و نباید هیچ کدام آن بماند. به همین جهت هر چند تا را که به واسطه مسافرت تابستان خورده شده بود حتماً در زمستان خودشان مدیریت می‌کردند و به شکلی اداره می‌کردند که بچه‌ها روزه‌هایی را که در تابستان نگرفته‌اند، در زمستان بگیرند.

فرشته اعرابی

ما جوان‌ها تاب نافله را نداشتیم

من در ماه مبارک رمضان همانند سایر ماه‌ها نماز ظهر و عصر را با امام در مسجد شیخ واقع در بازار نجف به‌جا می‌آوردم، ولی نماز مغرب و عشا را با آیت‌الله آقای سیدعبدالاعلی سبزواری می‌خواندم. زیرا امام با آن کهولت سن و ضعف حتی در ایامی که ماه مبارک مصادف با گرمای سوزان در روزهای بلند تابستان بود، مقید به انجام نافله مغرب و عشا بودند. در حالی که ما با اینکه جوان بودیم و تاب مقاومت بیشتری داشتیم، مایل بودیم هر چه زودتر نماز مغرب و عشا را بدون نافله به اتمام برسانیم و به افطار برسیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمجتبی رودباری ـ برداشت‌هایی از سیره امام، ج۳، صص ۹۸ و ۹۹

این مسجد را باید احیا کرد

امام در یکی از سفرهایشان به محلات که مصادف بود با ماه رمضان در مسجدی دورافتاده، متروک و بسیار کوچک که بیش از یک اتاق گلی نداشت به اقامه جماعت می‌پرداختند. این در حالی بود که عده‌ای از علما به ایشان پیشنهاد کردند که در مسجد جامع شهر اقامه جماعت بفرمایند. اما آن بزرگوار قبول نکرده و فرمودند: «در مسجد جامع کسی هست که اقامه جماعت کند ولی در این مسجد کسی نیست که اقامه جماعت کند، لذا این مسجد را باید احیا کرد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین توسلی، مجله حوزه، شماره ۴۵، ص ۵۲

خود ماه رمضان، کاری است

سرّ این معنا که امام ملاقات‌های خودشان را در ماه مبارک رمضان تعطیل می‌کردند این بود که بیشتر به دعا و قرآن و خلاصه به خودشان برسند. امام می‌فرمودند: «خود ماه رمضان کاری است».

حجت‌الاسلام والمسلمین توسلی، مجله حوزه، شماره ۴۵

چند ختم قرآن بخوانید

امام هر سال چند روز قبل از ماه مبارک رمضان دستور می‌دادند که چند ختم قرآن برای افرادی که مدّنظر مبارکشان بود قرائت شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمیان، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج۳

حرمت رمضان

دکترها به خاطر بیماری امام به ایشان اجازه نمی‌دادند که روزه بگیرد، از همان سال ۶۰ که امام آمدند به جماران و در بیمارستان قلب بودند و سکته کرده بودند، دیگر روزه را دکتر برای امام ممنوع کرده بودند، و امام هم خیلی مقید به این بودند که دستور دکتر را اجرا کنند. امام با اینکه حاج عیسی برای ایشان غذا درست می‌کرد، روزها برای امام که مثلاً بنا بود مرغی درست کنند چون ضعیف شده بودند، امام اول ماه رمضان که می‌شد ممنوع می‌کرد و می‌گفت دیگر آش درست نکنید، اصلاً دیگر درست نکنید، یعنی امام با اینکه روزه نبود اگر شما ۲ روز هم پهلوی امام بودید، ۵ روز هم پهلوی امام بودید نمی‌فهمیدید که امام روزه نیست این قدر مخفیانه افطار می‌کردند، و عمل می‌کردند که شما نمی‌فهمیدید که امام روزه هستند یا نیستند لذا امام اول ماه رمضان که می‌شد دستور می‌دادند که دیگر غذا درست نکنید، لذا هر چه در خانه بود، همان را به صورت مخفیانه می‌خوردند و هیچ مشخص نمی‌شد که امام روزه نیستند.

سید رحیم میریان

اهمیت روزه

تابستان حدود چهل سال پیش در قم ساکن بودیم. در آن موقع آب که بود و پنکه یا کولری هم نداشتیم و همه جا خیلی گرم بود. در چله تابستان ماه مبارک رمضان شروع شد و خواهر بزرگم که خیلی ضعیف و لاغر بود، نه ساله شد و باید روزه می‌گرفت. او پس از افطار کردن اولین روزه‌اش به آقا گفت: من فردا روزه نمی‌گیرم. آقا می‌بینند که علناً نمی‌توانند او را به روزه گرفتن مجبور نماید زیرا ممکن است روزه‌اش را بخورد و قبح روزه خوردن برایش از بین برود. از این‌رو بلافاصله دنبال یکی از دوستانشان فرستادند و گفتند: فلانی می‌خواهم همین امشب اینها را به تهران برسانی، و ما دیروقت به تهران رسیدیم. بعد آقا گفته بودند: من دیدم این بچه نمی‌تواند روزه بگیرد و می‌خورد و اهمیت روزه برایش از بین می‌رود، گفتم از قم برود که اگر یک روز به او گفتم روزه بگیر، بداند که باید روزه بگیرد نه اینکه بگوید می‌گیرم و بعد هم برود بخورد.

زهرا مصطفوی

شب‌های قدر

برای امام شب‌های قدر و غیر قدر آن قدر فرقی نداشت. یعنی امام هر شب برایش شب قدر بود، امام آن شب‌های قدر چون برنامه آن زیادتر است، لذا امام از همان سر شب خوابش خیلی کم می‌شد، مثلاً امام هر شب ساعت ۱۰/۲۰ دقیقه می‌خوابیدند، آن شب هم سر ساعت ۱۰/۲۰ دقیقه می‌خوابیدند اما از آن طرف یک ساعت تا دو ساعت که می‌خوابیدند بلند می‌شدند و مشغول عبادت و مشغول مناجات می‌شدند و دعاهای شب‌های قدر را می‌خواندند و قرآن سر می‌گرفتند و مناجات می‌کردند و گریه و زاری می‌کردند تا صبح می‌شد و قرآن قبل از نماز و نماز صبح را می‌خواندند و بعد می‌خوابیدند.

سید رحیم میریان

فطریه

امام در این اواخر به خاطر کسالت قلبی که داشتند و به آن مبتلا شده بودند به دستور طبیب بود و مقید هم بودند که به دستور طبیب عمل بکنند و لذا اگر ایامی روزه نگرفتند به خاطر کسالت بود ولی مقید بودند قبل از اینکه سال برسد بلافاصله کفاره‌های روزه را پرداخت می‌کردند و من یادم هست در هر شب عید فطری که می‌شد امام دستور می‌دادند و من را احضار می‌کردند و بلافاصله اول غروب آفتاب در شب عید فطر که می‌شد به من پولی پرداخت می‌کردند و می‌فرمودند این پول فطریه من و کسانی که نان‌خور من هستند و می‌فرمودند که این تا فردا به فقرا داده بشود، لذا من تا قبل از ظهر عید فطر به دستور امام، فطریه حضرت امام را به فقرای همین جماران پرداخت می‌کردم، مقید بودند که اول غروب روز آخر ماه که می‌شد کنار می‌گذاشتند حتی فطریه خودشان را.

سید رحیم میریان

چراغ راه

ماه کثرت دعا و استغفار

عن ابی عبدالله قال الامام علی(ع): «علیکم فی شهر رمضان بکثرة الاستغفار و الدعاء، فاما الدعاء فیدفع به عنکم البلاء و اما الاستغفار فیمحی ذنوبکم.»

امام صادق(ع) به نقل از امام علی(ع) فرمود: در ماه رمضان طلب آمرزش و دعای فراوان داشته باشید. اما به وسیله دعا بلا از شما برطرف می‌شود و طلب آمرزش نیز گناهانتان را از بین می‌برد.[1]

۱- الکافی، ج ۴، ص ۸۸

حکایت خوبان

شادی واقعی و تداوم آن

مردی در حال نشاط و خوشحالی خدمت امام جواد(ع) رسید. حضرت فرمود: چه خبر است که این چنین مسرور و خوشحالی؟! آن مرد عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! از پدر شما شنیدم که می‌فرمود: بهترین روز شادی انسان روزی است که خداوند توفیق انجام کارهای نیک و خیرات و احسانات به او دهد و او را در حل مشکلات برادران دینی موفق بدارد. امروز نیازمندانی از جاهای مختلف به من مراجعه کردند و به خواست خداوند گرفتاری‌هایشان حل شد و نیاز ده نفر از نیازمندان را برطرف کردم. بدین جهت چنین سرور و شادی به من دست داده است. امام جواد(ع) فرمود: به جانم سوگند! شایسته است که چنین شاد و خوشحال باشی به شرط اینکه اعمالت را ضایع نکرده و نیز در آینده باطل نکنی!

۱- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۹

پرسش و پاسخ

شاخص‌های تفکر و رفتار قارونی

پرسش:

از منظر قرآن، تفکر و رفتار قارونی چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی دارد؟

پاسخ:

در بخش‌های قبلی پاسخ به این سوال به برخی از ویژگی‌ها و شاخص‌های تفکر و رفتار قانونی شامل: قارون نماد دنیاپرستی، افکار باطل و رفتار نابهنجار قارون، غرور علمی، تکبر و استکبار، همکاری با دشمنان، تفاخر، افترا، افزون‌طلبی، برتری‌جویی و بی‌تقوایی اشاره کردیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۹- فسادگرایی و افسادگری: قارونیان هم خودشان فاسد هستند و به فسادگرایش دارند و هم کاری می‌کنند که فساد درجامعه گسترش پیدا کند. از این رو با قتل همسران و بردگی زنان تلاش می‌کنند تا جامعه را به سوی تباهی اخلاقی سوق دهند و فساد و افساد را در جامعه گسترش دهند. (عنکبوت، آیه ۳۹؛ قصص، آیات ۷۶ تا ۸۳)

۱۰- تجاوزگری: از دیگر خصوصیات قارونی باید به روحیه طغیانگری و تجاوزگری آنان اشاره کرد. بغی و باغی بودن در فرهنگ آنان امری طبیعی است؛ زیرا به هیچ اصول ارزشی و اخلاقی پایبند نیستند؛ چون اعتقادی به آخرت ندارند تا جلوی بغی و فجور و فسق ایشان را بگیرد؛ چرا که ترس از آخرت و حساب و کتاب اخروی است که بسیاری را محدود می‌کند و برایشان خطوط قرمز وضع می‌کند. اما کسی که باور به آخرت ندارد هیچ خطوط قرمزی ندارد و اگر قوانین جامعه خط قرمزی را وضع کند اگر بتوانند آن را نیز دور می‌زنند. (قصص، آیه ۷۶)

۱۱- تجمل‌گرایی: تجمل‌گرایی و خودنمایی قارون از دیگر خصوصیاتی است که برای تفکر قارونی می‌توان بیان کرد. کسانی که قارونی فکر وعمل می‌کنند، گرایش به تجملات داشته و لذت زندگی را درآن می‌جویند. (قصص، آیات ۷۶ و ۷۷)

۱۲- ثروت‌اندوزی و تکاثرگرایی: از دیگر خصوصیات باطل رفتاری قارون و قارونیان همیت ثروت‌اندوزی و تکاثرگرایی است. آنان همواره تلاش می‌کنند بیشتر داشته باشند هرچند که ثروت ایشان به اندازه‌ای است که حتی یک چندم آن را استفاده نمی‌کنند و نمی‌توانند بخورند و بیاشامند و تفریح کنند ولی حرص و آز اندوختن چنان آنان